یادداشت

بازدارندگی چندلایه ایران در برابر دشمن امریکایی-صهیونیستی

رسول سنائی‌راد
کارشناس سیاسی

برخلاف نظر برخی تحلیلگران که رویدادهای دو جنگ تحمیلی ۱۲روزه و رمضان را تغییر در وضعیت بازدارندگی ایران تلقی کرده و حتی آن را نفی می‌کنند، واقعیت بازدارندگی با این برداشت تفاوت و فاصله زیادی دارد. نشانه آن هم این است که دشمنان جنایتکار مجبور به توقف جنگ شده‌اند و نه‌تنها ناظران جهانی قدرت واکنش و ضربات ایران به دشمن را فراتر از تصور و راه‌حل را سیاسی می‌دانند، بلکه امریکایی‌ها هم مذاکره با ایران را بر بازگشت به جنگ ترجیح می‌دهند. البته رژیم صهیونیستی که مشکل خود با ایران را موجودیتی می‌داند، فراتر از هر گونه محاسبه عقلانی به‌دنبال فرصت حضور ترامپ در قدرت برای ادامه جنگ و توهم گرفتن نتیجه، ولو با هزینه سنگین است.

نباید فراموش کرد که بازدارندگی در پیوند با عقلانیت و محاسبه معنی می‌یابد و کاربرد پیدا می‌کند و آنچه موجب توقف جنگ از سوی امریکا و همچنین عدم ائتلاف و همراهی متحدان اروپایی با آن علیه ایران شده، محاسبات مربوط به هزینه و فایده جنگ بوده است، چراکه ابزار جنگ را زمانی به کار می‌گیرند که منافع از هزینه‌های آن بیشتر باشد و اینک در مواجهه با ایران، محاسبات آنان چنین چیزی را تأیید نمی‌کند. آنان در جنگی وارد شده یا به آن ادامه می‌دهند که:

۱- هزینه‌های آن کم و قابل مدیریت باشد و تلفات و خسارت آن را بتوانند تحمل کنند.

۲- دامنه زمانی و مکانی جنگ قابل کنترل بوده، گسترده و فرسایشی نشود.

۳- نتیجه جنگ پیروزی سریع و قاطع و زمینه‌ساز دستاوردهای دیگر باشد.

نمونه عینی چنین جنگی را در لیبی و عراق در گذشته و در ونزوئلای فعلی می‌توان سراغ گرفت، اما در ایران فرقی اساسی وجود دارد و آنهم برخورداری از بازدارندگی چندلایه است. این نوع بازدارندگی امکان طیف وسیعی از کنش و واکنش را در برابر متجاوزان فراهم می‌کند و پاسخ ایران صرفاً مستقیم و خطی نبوده و هیچ‌گونه محدودیت زمانی و مکانی ندارد. عواملی که راهبرد بازدارندگی چندلایه ایران را کاربردی، مؤثر و باورپذیر ساخته عبارتند از:

۱- برخورداری از عمق تمدنی و ماهیت اعتقادی و دینی برای مقابله و ستیز با دشمنان

۲- همراهی و مشارکت عموم ایرانیان در دفاع از تمامیت ارضی و موجودیت کشور و نظام اسلامی

۳- مشروعیت، اقتدار و اشراف رهبری برای بسیج‌گری، راهبری و هدایت ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشور برای مقاومت و واکنش به شرارت‌های دشمنان

۴- برخورداری کشور از ذخیره کافی تسلیحات راهبردی بومی و مؤثر و رزمندگان دارای اراده و شجاعت به کارگیری آنها علیه دشمنان

۵- برخورداری کشور از عمق و نفوذ در فراتر از مرزهای ملی در منطقه و فراتر از منطقه و همراهی بسیاری از ملت‌های آزاده با آرمان‌ها، ایده‌ها و ارزش‌های اسلامی و ایرانی برای مقاومت و ظلم‌ستیزی

۶- وجود نفرت و خشم نسبت به روحیه و رویه ظالمانه و توسعه‌طلبانه و تروریستی امریکا و رژیم صهیونیستی در بین ملل مختلف دنیا و وجود زمینه همراهی و همکاری برای اقدامات مقابله‌ای با این محور شرارت و جنایت در نقاط مختلف جهان.

عوامل فوق زمینه شکل‌گیری بازدارندگی چندلایه و مؤثری برای ایران فراهم ساخته است که ابهام و ناطمینانی نسبت به خروجی جنگ با ایران را مقابل دشمنان قرار می‌دهد. چراکه ایران نه با تکیه بر وحدت و بسیج مردمی امکان ورود زمینی و اشغال و حتی به کارگیری نیروی نیابتی و مزدور داخلی برای بی‌ثبات‌سازی را سلب می‌کند، بلکه ظرفیت توسعه و گسترش جنگ به منطقه و فراتر از آن را هم فراهم می‌کند و ناامنی و فشار را بر دشمنان و حامیان آنها وارد می‌سازد. همچنین این عوامل امکان تاب‌آوری و مقاومت را برای پیشبرد جنگی فرسایشی و گیر انداختن دشمنان در ساحات مختلف و ایجاد باتلاقی مرگبار و دردناک برای تحمیل مرگی تدریجی بر او فراهم می‌کند که البته در این مسیر از همکاری و شراکت دشمنان و رقبای راهبردی امریکا مثل روسیه و چین هم می‌تواند استفاده کند.

گزارش

تنگه هرمز از واقعیت میدانی تا تثبیت هنجار جدید حقوقی

مجلس نظم ایرانی هرمز را قانون می‌کند

عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی می‌گوید طرح اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز به زودی در مجلس تصویب و قانونی خواهد شد.

عبور بیش از ۲۵۰ فروند کشتی طی ۱۰روز گذشته از تنگه هرمز، آن هم در شرایطی که تمامی این ترددها با اخذ مجوز و رعایت ضوابط اعلامی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است، نشانه‌ای روشن از شکل‌گیری یک واقعیت جدید در مهم‌ترین آبراه انرژی جهان به شمار می‌رود؛ واقعیتی که بسیاری از تحلیلگران آن را فراتر از یک وضعیت موقت نظامی یا امنیتی دانسته و از آن به عنوان «هنجار جدید حاکمیتی» در تنگه هرمز یاد می‌کنند.

بررسی روند تحولات سه ماه اخیر نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران توانسته است قواعد مورد نظر خود برای مدیریت عبور و مرور دریایی در تنگه هرمز را از مرحله اعلام مواضع سیاسی به مرحله اجرای عملیاتی منتقل کند. در این چارچوب، شرکت‌های کشتیرانی، مالکان نفتکش‌ها، کشتی‌های فله‌بر و سایر شناورهای تجاری، بدون توجه به فضاسازی‌های سیاسی و رسانه‌ای، برای عبور ایمن از این گذرگاه راهبردی، مسیر هماهنگی با نیروهای دریایی جمهوری اسلامی ایران را انتخاب کرده‌اند. واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد کشتی‌هایی که مطابق ضوابط جمهوری اسلامی ایران اقدام به دریافت مجوز کرده‌اند، بدون مشکل به مقاصد خود رسیده‌اند و زنجیره تجارت جهانی نیز خود را با شرایط جدید تطبیق داده است. کارشناسان حقوق بین‌الملل هم معتقدند یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شکل‌گیری یک هنجار بین‌المللی، پذیرش عملی آن از سوی بازیگران ذی‌نفع است. از این منظر، تداوم عبور صدها کشتی تجاری در طول هفته‌های اخیر را می‌توان نشانه‌ای از پذیرش عملی قواعد حاکم بر تنگه هرمز دانست؛ قواعدی که اگرچه در ابتدا از سوی جمهوری اسلامی ایران اعلام شد، اما اکنون در میدان عمل توسط بازیگران اقتصادی و دریایی بین‌المللی رعایت می‌شود.

گزارش‌های رسانه‌های غربی نیز به تدریج به بازتاب این واقعیت پرداخته‌اند. گزارش ویژه رویترز از تثبیت کنترل عملی ایران بر تنگه هرمز و تأثیرگذاری مستقیم تهران بر امنیت و مدیریت این آبراه حکایت دارد؛ موضوعی که نشان می‌دهد حتی در ارزیابی ناظران خارجی نیز معادلات ژئوپلیتیکی منطقه دستخوش تغییر شده است.

■ تثبیت دستاورد میدان روی میز نمایندگان

در چنین شرایطی، مجلس شورای اسلامی نیز در حال تکمیل ضلع حقوقی و قانونی این تحول راهبردی است. طرح «اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز» که اکنون در مراحل پایانی بررسی قرار دارد، قرار است چارچوب‌های دائمی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران بر این گذرگاه حیاتی را به قانون تبدیل کند. به گفته عضو هیئت رئیسه مجلس، این طرح پس از انجام هماهنگی‌های گسترده با دستگاه‌های اقتصادی، امنیتی، حمل‌ونقل و همچنین رایزنی با عمان، به زودی نهایی خواهد شد.

علیرضا سلیمی در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به آخرین وضعیت طرح مجلس برای مدیریت و حکمرانی ایران بر تنگه هرمز اظهار کرد: «طرح اعمال مدیریت و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز به زودی در مجلس تصویب شده و ان‌شاءالله به صورت یک قانون دائمی به تصویب خواهد رسید. این موضوع تصمیم قطعی مجلس است و به زودی نهایی خواهد شد. در حال حاضر نیز چکش‌کاری‌های نهایی و گفت‌وگوهای لازم درباره آن در حال انجام است.» نماینده تهران در مجلس تأکید کرد: «کل تنگه هرمز در آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار دارد و حتی نقطه‌ای از آن در آب‌های آزاد نیست. بنابراین فقط ایران و عمان می‌توانند درباره نحوه مدیریت آن تصمیم‌گیری کنند و هیچ کشور دیگری (حتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس) در این زمینه حقی ندارند. در حال حاضر مدیریت تنگه هرمز دست جمهوری اسلامی ایران است و کشتی‌ها با اذن و اجازه ایران و طبق مسیری که ایران تعیین کرده و اجازه می‌دهد، از تنگه عبور می‌کنند. پس هیچ کشور دیگری نمی‌تواند اعمال مدیریت و تحکم کند، چون تنگه برای ما است. به آن‌هایی که می‌گویند باید تنگه باز شود، می‌گوییم: فضولی موقوف!»

سلیمی درباره جزئیات طرح مربوط به تنگه هرمز گفت: بررسی‌های مفصلی درباره این طرح صورت گرفته و نظرات دستگاه‌های مختلف از جمله بخش‌های اقتصادی، حمل‌ونقل، امنیتی و سایر نهادهای مرتبط اخذ شده است. همچنین گفت‌وگوهایی با کشور عمان صورت گرفته و طرف عمانی نیز موافقت‌های اولیه خود را اعلام کرده است و ان‌شاءالله به زودی این طرح نهایی می‌شود. وی در پایان خاطرنشان کرد: تنگه هرمز برای جمهوری اسلامی ایران از ده‌ها بمب هسته‌ای مهم‌تر و ارزشمندتر است و به هیچ وجه اعمال مدیریت بر تنگه هرمز قابل معامله نبوده، نیست و نخواهد بود. این ظرفیت و سرمایه بالقوه ایران در جنگ رمضان تبدیل به سرمایه بالفعل شده و ما از این سرمایه در چارچوب منافع ملی بهره خواهیم برد.

اهمیت اقدام مجلس شورای اسلامی در آن است که تجربه موفق ماه‌های اخیر را از سطح یک رویه اجرایی به سطح یک قاعده حقوقی ارتقا می‌دهد. به عبارت دیگر، آنچه امروز در میدان اجرا می‌شود، فردا در قالب قانون دائمی تثبیت خواهد شد و پیوند میان قدرت میدانی و مشروعیت حقوقی را کامل‌تر می‌کند.

حمیدرضا نیک‌عهد | جوان

■ سند پذیرش سازوکار جدید تنگه هرمز

در این میان، آمار عبور بیش از ۲۵۰ کشتی طی ده روز گذشته فقط یک عدد نیست؛ این آمار در واقع سندی عملی از پذیرش سازوکار جدید مدیریت تنگه هرمز است. هنگامی که صدها شناور متعلق به کشورهای مختلف برای عبور از این آبراه، مسیر اخذ مجوز و رعایت ضوابط تعیین‌شده از سوی جمهوری اسلامی ایران را انتخاب می‌کنند، عملاً یک نظم عملیاتی جدید شکل می‌گیرد که نمی‌توان آن را صرفاً یک تصمیم یک‌جانبه تلقی کرد. بر همین اساس، بسیاری از ناظران معتقدند تنگه هرمز در حال ورود به مرحله‌ای تازه از حکمرانی دریایی است؛ مرحله‌ای که در آن، قدرت میدانی جمهوری اسلامی ایران، پذیرش عملی بازیگران بین‌المللی و روند قانون‌گذاری داخلی، سه ضلع یک واقعیت جدید را تشکیل می‌دهند. واقعیتی که نشان می‌دهد قواعد حاکم بر این آبراه راهبردی، نه فقط در سطح ادعاهای سیاسی، بلکه در عرصه عمل و در جریان روزانه تجارت جهانی نیز مورد پذیرش قرار گرفته و به تدریج در حال تبدیل شدن به یک هنجار تثبیت‌شده است.

خبر

سخنگوی وزارت دفاع خبر داد

تأسیس مرکز پشتیبانی پهپادی در وزارت دفاع به زودی

سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح از تأسیس مرکز پشتیبانی پهپادی در وزارت دفاع خبر داد و گفت: همه خدمات وزارت دفاع در حوزه پهپادهای غیرنظامی، از طریق مرکز پشتیبانی پهپادی به دستگاه‌های کشوری و لشکری ارائه خواهد شد.

به گزارش ایرنا، سردار رضا طلایی نیک در گفت‌وگویی درباره مصوبه اخیر هیئت وزیران در خصوص جزئیات قانون پهپادهای غیرنظامی و آیین‌نامه اجرایی آن، اظهار داشت: بیش از دو سال فرایند تدوین و تصویب قانون پهپادهای غیرنظامی یا پرنده‌های کنترل از راه دور در دولت و مجلس، البته با تصویب آیین‌نامه اجرایی آن، طول کشید.

وی درباره پیشینه این قانون افزود: تقریباً از اواخر دولت شهید آیت‌الله رئیسی این لایحه در دولت مطرح شد و بعداً با هماهنگی دولت پزشکیان، در مجلس مورد رسیدگی جدی قرار گرفت و در شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام چند بار مورد رسیدگی واقع شد و نهایتاً در نیمه دوم سال گذشته این قانون ابلاغ شد. سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در ادامه با ادای احترام به دو شهید بزرگوار که در تصویب این قانون نقش داشتند، افزود: جا دارد اینجا یاد کنم از دو شهید بزرگواری که در تدوین و هدایت و راهبری تصویب این قانون نقش محوری داشتند؛ سپهبد شهید سردار باقری رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح و همکاران‌شان، اولین بانیان پر کردن این خلأ قانونی در کشور بودند. همچنین سرلشکر شهید نصیرزاده وزیر دفاع شهیدمان در حمایت‌هایی که در دولت و پیگیری‌هایی که در مجلس و سایر مراجع داشتیم، نقش بسیار مؤثری ایفا کرد.

وی درباره روند تدوین این قانون گفت: در این فرایند، ۱۵ وزارتخانه و سازمان لشکری و کشوری در تدوین ۲۲ ماده قانون و ۴۴ ماده آیین‌نامه اجرایی که همین هفته به تصویب رسید، نقش و همکاری بسیار نزدیکی را با وزارت دفاع و سایر مراجع قانونی داشتند. خوشبختانه با تصویب این آیین‌نامه اجرایی، عملاً قانون ساماندهی پهپادهای غیرنظامی از همین هفته وارد مراحل اجرایی خود شد. سردار طلایی‌نیک درباره اینکه قانون پهپادهای غیرنظامی چه خلاءهایی را پر می‌کند، افزود: برخی پدیده‌ها و تجهیزاتی که کاربرد غیرنظامی دارند مانند پهپاد، زمینه و امکان بهره‌برداری نظامی هم دارند و می‌توانند به عنوان یک ابزار تهدید و آسیب به دیگران استفاده شوند. امروز پهپادها هم کاربرد نظامی دارند و هم کاربرد غیرنظامی. کاربرد نظامی آن سازوکارهای خودش را دارد. در همین جنگ اخیر رمضان هم دیدیم که دشمن با استفاده از پیشرفته‌ترین پهپادهایش، تهدیدی جدی برای کشور ما بود. سردار طلایی‌نیک درباره تسهیلات در نظر گرفته شده برای بهره‌برداران گفت: اولین و مهم‌ترین موضوع این است که پهپاد با ابلاغ این قانون، یک وسیله قانونی محسوب می‌شود. سند مالکیت مانند خودرو برای پهپادها صادر خواهد شد. سخنگوی وزارت دفاع افزود: امکان فروش و نقل و انتقال برای دارندگان پهپاد غیرنظامی در این آیین‌نامه پیش‌بینی شده است. حتی برپایی نمایشگاه و فروشگاه‌های مخصوص عرضه و فروش عمومی پهپاد نیز دیده شده است. طلایی نیک افزود: در وزارت دفاع، مرکز پشتیبانی پهپادی را طبق این آیین‌نامه به زودی تأسیس خواهیم کرد. خدماتی که وزارت دفاع در کنار سایر دستگاه‌های کشوری و لشکری باید به حوزه پهپادهای غیرنظامی ارائه دهد، از طریق این مرکز انجام خواهد شد. سخنگوی وزارت دفاع در مورد مهم‌ترین ممنوعیت‌ها و محدودیت قانونی در مورد قانون پهپادها، توضیح داد: اگر پهپادی فاقد سند مالکیت باشد، مجاز به پرواز نیست و در صورت پرواز، توسط ضابطین دادگستری و فراجا توقیف و پرونده تشکیل می‌شود. اگر بدون مجوز پروازی از شرکت فرودگاه‌ها پرواز کند، این یک تخلف و جرم‌انگاری شده است.

ویژه

آقای کلانتری! همان بهتر که تو نیستی!

عیسی کلانتری، معاون رئیس‌جمهور در دولت روحانی، در اظهارنظری عجیب ادعا کرده است «ترامپ فقط به دنبال منافع خودش است و منافع ملی امریکا برایش مهم نیست. اگر ۲میلیارد دلار در حلقوم ترامپ می‌ریختیم، جنگ نمی‌شد و او عقب می‌نشست. با این کار، دیگر ۲۰۰ میلیارد دلار هم خسارت نمی‌دیدیم.»

اظهارات کلانتری بیش از آنکه یک تحلیل مبتنی بر واقعیت‌های سیاسی و رفتاری باشد، نوعی ساده‌سازی افراطی از یکی از پیچیده‌ترین منازعات ژئوپلیتیکی منطقه است. این تحلیل بر این پیش‌فرض استوار است که ترامپ شخصیتی معامله‌پذیر است که می‌توان با پرداخت پول یا اعطای امتیاز مالی، او را از اهداف راهبردی خود منصرف کرد؛ در حالی که مطالعه عملکرد و مواضع او در قبال ایران، چنین برداشتی را تأیید نمی‌کند.

برخلاف ادعای ساده‌لوحانه کلانتری، مواضع اعلامی ترامپ و جریان‌های حامی او در طول بحران و جنگ، بارها نشان داد که مسئله آنها صرفاً کسب یک امتیاز مالی یا اقتصادی از ایران نبوده است. ادبیات «تسلیم بدون قید و شرط»، تأکید بر تغییر بنیادین موازنه قدرت منطقه‌ای و حتی طرح ایده‌هایی درباره تضعیف ساختاری جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌داد که اهداف مورد نظر بسیار فراتر از یک معامله مالی کوتاه‌مدت تعریف شده‌است. بر همین اساس، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چگونه می‌توان باور کرد فردی که در بالاترین سطح فشار سیاسی و نظامی، به کمتر از عقب‌نشینی کامل ایران رضایت نمی‌داد، با دریافت یک امتیاز مالی محدود ولو شخصی از مواضع راهبردی خود صرف‌نظر می‌کرد؟

تجربه روابط بین‌الملل نشان می‌دهد بازیگران بزرگ (که ترامپ هم از این قاعده مستثنا نیست) در بحران‌های امنیتی، تابع محاسبات قدرت هستند. در این چارچوب، آنچه موجب تغییر رفتار طرف مقابل شد، نه پیشنهادهای مالی، بلکه هزینه‌هایی بود که در نتیجه مقاومت میدانی و افزایش قدرت بازدارندگی ایران و محور مقاومت بر او تحمیل شد. حضور گسترده مردم در صحنه، انسجام ملی و توان دفاعی کشور، متغیرهایی بودند که محاسبات طرف مقابل را تغییر دادند و او را وادار کردند هزینه ادامه مسیر را با دقت بیشتری ارزیابی کند.

با درک همین واقعیت میدانی است که مسئولان جمهوری اسلامی بارها تأکید کرده‌اند ترامپ و جریان سیاسی نزدیک به او، بیش از هر چیز زبان قدرت را می‌فهمند. واقعیت رفتاری ترامپ نشان می‌دهد که او در بسیاری از پرونده‌های بین‌المللی (از چین و روسیه گرفته تا اروپا و خاورمیانه) تلاش کرده است خواسته‌های خود را از طریق اعمال فشار حداکثری دنبال کند. نقطه ضعف اصلی دیدگاه «۲میلیارد دلار برای جلوگیری از جنگ» آن است که نقش قدرت ملی را نادیده می‌گیرد و تصور می‌کند می‌توان بحران‌های راهبردی را صرفاً از طریق امتیازدهی مالی مدیریت کرد. در حالی که تجربه تحولات اخیر نشان داد آنچه طرف مقابل را به بازنگری در محاسبات خود واداشت، نه پرداخت پول، بلکه افزایش هزینه‌های تقابل و نمایش ظرفیت‌های بازدارنده جمهوری اسلامی ایران بود.

در نهایت، تاریخ روابط بین‌الملل معمولاً از این قاعده تبعیت می‌کند که امنیت و منافع ملی را نمی‌توان خرید، بلکه باید از آنها صیانت کرد. اگر قرار باشد رفتار قدرت‌های بزرگ صرفاً با پرداخت پول تغییر کند، هیچ سقفی برای مطالبات آنان وجود نخواهد داشت. از این رو، مهم‌ترین درس تحولات اخیر آن است که در معادلات سخت امنیتی، آنچه احترام و عقب‌نشینی طرف مقابل را رقم می‌زند، بیش از هر چیز قدرت، بازدارندگی و توان تحمیل هزینه است؛ نه امید بستن به اینکه با یک معامله مالی بتوان اهداف راهبردی یک بازیگر فشارمحور را تغییر داد.

و نکته پایانی اینکه تقلیل مواضع استکباری امریکا به تمنیات شخصی ترامپ و طرح این نکته از سوی کلانتری که «اگر من بودم، با ترامپ می‌ساختم، چیزی توی حلقومش می‌انداختم و می‌رفت کنار»، نگاهی قابل تأمل است که اگر نگوییم خائنانه، تلاشی از سر ساده‌لوحی است. باید به او گفت: آقای معاون دولت «تدبیر و امید»، همان بهتر که تو نیستی! و گرنه شاید گاو شیرده وطنی هم اکنون یکی از پیشوندهای این قبیله بود.

یادداشت

علی حسن حیدری

الزامات مجلس در تراز ملت مبعوث شده

پیام مقام معظم رهبری درباره مجلس شورای اسلامی را باید فراتر از یک توصیه سیاسی یا تذکر مقطعی تحلیل کرد. این پیام، در واقع ترسیم یک نقشه‌راه برای نسبت میان «ملت»، «حکمرانی» و «مجلس» در شرایط حساس کنونی کشور است؛ شرایطی که ایران اسلامی، همزمان در معرض فشارهای اقتصادی، جنگ شناختی، تهدیدهای امنیتی و تلاش دشمن برای فرسایش انسجام اجتماعی قرار دارد. در چنین وضعیتی، رهبری انقلاب، مجلس را نه صرفاً یک نهاد قانون‌گذار، بلکه «عصاره ملت» و «سنگر خط مقدم تحول» معرفی می‌کنند؛ تعبیری که نشان می‌دهد جایگاه مجلس در هندسه نظام سیاسی، جایگاهی راهبردی و تمدنی است، نه صرفاً اداری و بوروکراتیک.

نخستین نکته اساسی در این پیام، پیوند مستقیم میان «ارتقای تراز مردم» و «افزایش مسئولیت نمایندگان» است. رهبری انقلاب بر این باورند که ملت ایران در حوادث و بحران‌های اخیر، به‌ویژه در میدان‌های سخت و آزمون‌های بزرگ، سطحی از بلوغ، ایستادگی، امید و وفاداری را به نمایش گذاشته که این سرمایه اجتماعی، مسئولیت نهادهای حاکمیتی را دوچندان می‌کند. بر همین اساس، مجلس نمی‌تواند با منطق روزمره، رقابت‌های سطحی سیاسی یا تصمیم‌های منفعلانه اداره شود، بلکه باید در تراز ملتی عمل کند که در میدان‌های دشوار، ظرفیت تاریخی و تمدنی خود را نشان داده است.

از این‌روست که در این پیام، نمایندگی صرفاً یک موقعیت حقوقی یا سیاسی تلقی نمی‌شود، بلکه نوعی «جهاد مسئولانه» تعریف می‌گردد. هنگامی که رهبری از «سنگر خط مقدم تحول» سخن می‌گویند، در حقیقت تأکید می‌کنند که مجلس باید موتور محرک پیشرفت کشور باشد؛ نهادی که نه‌تنها قوانین را تصویب می‌کند، بلکه مسیر آینده کشور را ریل‌گذاری می‌کند. این نگاه، تفاوتی بنیادین با برداشت‌های حداقلی از مجلس دارد که آن را تا سطح منازعات جناحی یا رقابت‌های انتخاباتی تنزل می‌دهد.

از مهم‌ترین محورهای این پیام، مسئله «اولویت‌شناسی» در حکمرانی است. رهبری تأکید می‌کنند که مجلس باید تمرکز خود را بر مسائل واقعی مردم قرار دهد؛ به‌ویژه اقتصاد، معیشت، تورم، اشتغال، رونق تولید و ثبات اقتصادی. این تأکید، حامل یک پیام روشن است: مشروعیت و کارآمدی حکمرانی، زمانی در افکار عمومی تثبیت می‌شود که مردم اثر تصمیمات و قوانین را در زندگی روزمره خود احساس کنند. از این منظر، انباشت قوانین غیرکاربردی، حاشیه‌سازی‌های سیاسی و ورود به موضوعات کم‌اولویت، نه‌تنها کمکی به کشور نمی‌کند، بلکه می‌تواند فاصله میان جامعه و نهادهای تصمیم‌گیر را افزایش دهد. در همین چارچوب، ایشان بر «امیدآفرینی» به‌عنوان یک وظیفه حکمرانی تأکید می‌کنند. جامعه‌ای که در معرض فشار اقتصادی و جنگ روانی قرار دارد، بیش از هر چیز به نشانه‌های واقعی ثبات، انسجام و آینده روشن نیازمند است. امید اجتماعی با شعار و تبلیغات شکل نمی‌گیرد، بلکه محصول تصمیم‌های عاقلانه، رفتار مسئولانه و انسجام در سطوح مدیریتی کشور است. به همین دلیل، مجلس باید در مواضع، نطق‌ها و مصوبات خود، به‌گونه‌ای عمل کند که اعتماد عمومی تقویت شود، نه اینکه جامعه دچار التهاب، ناطمینانی و احساس بن‌بست گردد.

نکته کلیدی دیگر در این پیام، تأکید بر «هم‌افزایی قوا» در عین حفظ استقلال نهادهاست. رهبری نه از انفعال مجلس در برابر دولت سخن می‌گویند و نه از تقابل فرسایشی میان قوا، بلکه بر همکاری هماهنگ و مسئولانه برای حل مسائل کشور تأکید دارند. این نگاه، مبتنی بر این واقعیت است که در شرایط پیچیده کنونی، حل مشکلات کشور بدون هماهنگی نهادهای «اجرایی، تقنینی و نظارتی» ممکن نیست. هرگونه دوقطبی‌سازی سیاسی و کشاندن اختلافات به سطح افکار عمومی، می‌تواند تمرکز کشور را از مسائل اصلی منحرف کند.

در بخش دیگری از پیام، رهبری انقلاب بر ضرورت «تقوا» و «سلامت اخلاقی» در مسئولیت سیاسی تأکید می‌کنند. این مسئله صرفاً یک توصیه فردی یا اخلاقی نیست، بلکه ناظر بر این حقیقت است که بدون سلامت اخلاقی، تصمیم‌گیری عادلانه و ترجیح منافع ملی بر منافع جناحی ممکن نخواهد بود.

اما شاید راهبردی‌ترین بخش این پیام، هشدار نسبت به پروژه «تفرقه‌سازی» دشمن باشد. رهبری انقلاب، وحدت ملی را یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های کشور معرفی می‌کنند و معتقدند دشمن پس از ناکامی در فشارهای مستقیم، به‌دنبال ایجاد شکاف اجتماعی، دوگانه‌سازی سیاسی و فرسایش انسجام ملی است. در چنین شرایطی، هرگونه رفتار سیاسی که موجب تشدید اختلافات، بی‌اعتمادی عمومی یا قطبی‌سازی جامعه شود، ناخواسته در زمین راهبرد دشمن تعریف خواهد شد.

گزیده خبر

ارتش جمهوری اسلامی خبر داد

انهدام یک فروند پهپاد «اوربیتر» در منطقه قشم

ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه‌ای از انهدام یک فروند پهپاد «اوربیتر» با آتش نیروی پدافند هوایی در منطقه قشم خبر داد.

به گزارش روابط عمومی ارتش، بامداد شنبه، یک فروند پهپاد «اوربیتر» دشمن متجاوز امریکایی- صهیونی با رهگیری و شلیک موفق سامانه نیروی پدافند هوایی ارتش و تحت شبکه یکپارچه قرارگاه مشترک پدافند هوایی کشور، در منطقه قشم مورد اصابت قرار گرفت و منهدم شد. این دومین پهپاد دشمن متجاوز امریکایی است که طی هفته گذشته منهدم شده است.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پنجم خرداد با صدور اطلاعیه‌ای از شناسایی و رهگیری یک فروند پهپاد MQ9، یک فروند پهپاد RQ4 و جنگنده متجاوز F35 خبر داد و متذکر شد: سپاه پاسداران نسبت به هرگونه نقض آتش‌بس از سوی ارتش متجاوز امریکا هشدار می‌دهد و حق پاسخ متقابل را برای خود مشروع و قطعی می‌داند.

در اطلاعیه روابط عمومی سپاه تصریح شده بود: ارتش تروریستی امریکا در ادامه ماجراجویی‌های مداخله‌گرایانه در منطقه و رفتارهای متجاوزانه، در منطقه خلیج فارس وارد حریم هوایی ایران شد و یگان‌های پدافندی سپاه پاسداران در راستای دفاع از حریم سرزمینی کشورمان، پس از پایش‌های اطلاعاتی دقیق، یک فروند پهپاد MQ9 را شناسایی و ساقط کرد. همچنین با شلیک به یک فروند پهپاد RQ4 و جنگنده متجاوز F35، آنان را وادار به فرار و خروج از حریم سرزمینی کرد. سپاه پاسداران نسبت به هرگونه نقض آتش‌بس از سوی ارتش متجاوز امریکا هشدار می‌دهد و حق پاسخ متقابل را برای خود مشروع و قطعی می‌داند.

روز گذشته، محسن رضایی در واکنش به ماجراجویی‌های امریکا در منطقه در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «همان طور که پیش‌بینی می‌شد، رئیس‌جمهور امریکا برای سومین بار در حال خیانت به دیپلماسی است. او با ادامه محاصره دریایی و زیاده‌خواهی در مذاکرات، بیش از پیش ثابت کرد که اهل مذاکره نیست و اهداف دیگری را دنبال می‌کند.»

خبر آخر

رئیس کمیسیون امنیت ملی:

نیروهای مسلح در اوج آمادگی و قدرت هستند

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس می‌گوید: نیروهای مسلح ما در اوج آمادگی، قدرت و اقتدار آفرینی هستند؛ این را به واسطه وظیفه‌ام در کمیسیون امنیت ملی و ارتباط با نیروهای مسلح و سایر دستگاه‌های قدرت‌ساز کشور می‌گویم.

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با فارس، در پاسخ به این پرسش که اگر دشمن بار دیگر مانند جنگ رمضان قصد درگیری با ایران را داشته باشد، پاسخ کشور چگونه خواهد بود، اظهار داشت: «قطعاً پاسخ جمهوری اسلامی ایران به مراتب نابودکننده‌تر و پشیمان‌کننده‌تر از جنگ گذشته خواهد بود. این را به واسطه وظیفه‌ام در کمیسیون امنیت ملی و ارتباط با نیروهای مسلح و سایر دستگاه‌های قدرت‌ساز کشور می‌گویم. نیروهای مسلح ما در اوج آمادگی، قدرت و اقتدارآفرینی هستند.» وی خطاب به امریکایی‌ها تأکید کرد: «باید مطمئن باشند که اگر دوباره محاسبه و تحلیل غلطی داشته باشند و اقدام نادرستی انجام دهند، پاسخی پشیمان‌کننده‌تر از قبل را از سوی نیروهای مسلح و ملت ایران شاهد خواهند بود.»

رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در ادامه با اشاره به پیام اخیر رهبر معظم انقلاب به مجلس که در آن بر پرهیز از اختلافات پوچ سیاسی تأکید شده بود، گفت: «آن پیام از جنس پیام‌هایی بود که یک نقشه روشن و مبتنی بر آینده ایران اسلامی و نگاهی برآمده از توفیقات ایران در جنگ رمضان را برای مجلس ترسیم کرد.» وی افزود: «یکی از موضوعات بسیار مهم مورد تأکید ایشان، صیانت از وحدت و پرهیز از اختلافات پوچ سیاسی و برجسته نکردن تفاوت‌های اجتماعی بود که این خود از موضوعات مهم و امنیت‌ساز محسوب می‌شود. وحدت در نظام اسلامی فرصتی برای تولید امنیت، قدرت و اقتدار است.» عزیزی همچنین با اشاره به ایام پس از جنگ رمضان تصریح کرد: «حضور مردم در میادین نشان‌دهنده اوج آمادگی و وحدت حداکثری آنان برای خلق قدرت و اقتدار بود. بدون شک همه ما باید برای این وحدت که محصول نبرد مقدس رمضان است، پاسداری کنیم و از اختلافات پوچ و بدون دستاورد پرهیز نماییم.»